

علیه تبعیض

۵۰

سردبیر: کیوان جاوید keyvan.javid@gmail.com سال دوم

علیه تبعیض هر هفته دوشنبه ها منتشر می گردد - شماره ۵۰ - ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ - ۳۰ آبان ۱۳۹۰

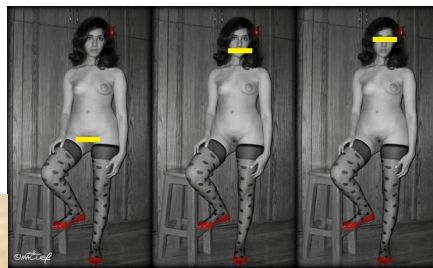
فریاد علیا های تاریخ

بدن شیطانی نیست، به بدن عریانم افتخار می کنم

رویا ثابتی از ایران



دختری که جهان را مبهوت کرد.
زنده باد علیا



همیشه از کودکی به دختر آموخته میشود که باید خودت را بپوشانی، نباید بدنت را بخصوص اندام تناسلیت را کسی ببیند به اصطلاح عیب! زشته! ودختران هرچه بزرگتر بشوند این زشتی و عیب هم بزرگتر میشود حتی آموزش میدهند که در خلوت و تنهایی خودت هم نباید اندام تناسلی ات را ببینی و دختران یاد میگیرند در بدنشان نقاط ممنوعه دارند و دلیل وجود کارهای وحشیانه ای مثل ختنه دختران هم از همین اندیشه نشات میگیرد.

اگر پسر بچه ای عریان از دست مادرش که میخواهد لباس به تنش کند فرار کند و به میان میهمانان بیاید همه میخندند و چندان عمل زشتی نکرده فقط خیلی بامزه است ولی وای بحال دختر بچه ای اگر چنین موضوعی پیش آید همه با احم و تشر دخترک را از خود میرانند و کودک از همه جا بیخبر باید به اجبار یاد بگیرد این زشتی را قبول کند و برای همه عمر از خودش و اندام های حساس بدنش شرمگین باشد و معمولا دختران در موقع بلوغ از بزرگ شدن سینه هایشان در عذاب هستند و بسیاری از دختران نوجوان برای پوشاندن پستان هایشان حالت غوز کرده به خود میگیرند.

همین شرم و گناه نانوخته ای که بر سرنوشت دختران حک میشود آنها را به موجودات ضعیفی که باید تحت الحمایه مردان باشند تبدیل میکند ضعیفه هایی که میتوانند مورد حمله و تجاوز قرار گیرند و باید ناموس دیگران باشند و مهم نیست چه احساسی دارند و چه فکر میکنند آنها همه عمرشان را باید برای حفظ پاکدامنی و عفت شان صرف کنند.

با دیدن عکس علیا لحظه ای، تمام این احساسها برآیم یکجا جمع شد به خوبی به چشمهایش نگاه کردم و از اینکه دیگر زنان و دختران این عصر شرمگین و خجالت زده نیستند و دیگر ضعیفه هایی نیستند که باید خودشان را بپوشانند، به شرف آمدم.

او در نگاهش فریاد تاریخی را به همراه دارد. فریادی که میخواهد بانگ بردارد من یک انسانم و اندامهای بدنم شیطانی نیست من انسانم و میتوانم به بدن عریانم افتخار کنم و



من بدنیا نیامده ام که تنها از بدنم پاسداری کنم من بدنیا آمده ام که زندگی کنم فکر کنم و تغییر دهم.

زنده باد جنبش برابری زنان

کانال جدید در هات برد: فرکانس ۱۱۶۰۴ - اف ای سی ۵/۶ افقی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه KBC

حرکت انقلابی علیا

مینا احدی

زنده باد علیا و زنده باد وحدت زنان آزاده مصر، اسرائیل و ایران

علیا ماجده مهدی، با پخش عکسهای برهنه خود در فیس بوک به یک تابوشکنی و حرکت انقلابی دست زد و اعلام کرد که یک انسان است و به مقررات ارتجاعی اسلامی تمکین نمیکند.

این اتفاق یک بمب خبری مهم و یک واقعه سیاسی مهم در مصر و در همه جا شد. اکنون صف بندیها شروع شده و میلیونها نفر با دفاع از این اقدام در کنار علیا ایستاده و از این خواست برحق او دفاع میکنند که زن انسان است و در مورد زندگی خود و روابط خصوصی و فعالیتهای اجتماعی و ... باید خودش تصمیم بگیرد. طبعاً در مصر و یا در کشورهای دیگر شنیدیم که تعدادی گفتند این حرکت "تند" است و به ضرر "سکولارها" در مصر است و زمینه را برای رشد اسلامیها فراهم میکند و ...

این زمزمه ها را ما زنان در ایران بعد از انقلاب هم شنیدیم کسانی که گفتند در مقابل

"خانه نشینی زنان به مرد آرامش میدهد"

دفتر فرهنگ اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس همایشی با موضوع هنر زن در زندگی برگزار کرد.

سخنران این همایش حجت الاسلام و المسلمین یوسف غلامی، به بررسی رفتار و اعمال خانم ها برای دست یافتن به معیار های زن بودن پرداخت. ایشان در اظهاراتشان به عدم نیاز به کسب در آمد خانم ها در خانواده پرداخت زیرا رفع نیازهای زن برای مرد خوشایند است و به مرد آرامش می دهد. و زنان باید وقت خود را نه در مراکز کاری سخت و طاقت فرسا، بلکه در محیط آرام منزل بگذرانند تا بتوانند طراوت و شادابی خود را حفظ کنند و از خود برای مرد یک گوهر دست نیافتنی بسازند که کسب آن سهل و ممکن نباشد وی در ادامه گفت از دیگر هنرهای بانوان در اداره یک زندگی حفظ رفتار و شور و عشق اول زندگیست زیرا اکثریت زندگی ها در دوره ی کوتاهی به پایان دوره ی رویایی خود می رسد و این عاملی برای بالا بردن در صد طلاق و عدم امید به زندگی در بین زوجین ایرانی است.*

به این مرد رندی هم نمی گویند.
فقط با ید گفت آخوند کله خر

فرمان حجاب خمینی، تندروی نکنید، این موضوع مهم نیست این موضوع مربوط به زنان پولدار است زنان زحمتکش مشکلی با حجاب ندارند و ... و ...

این زمزمه ها از طرف کسانی است که یا طرفداران خجول جنبش اسلامی هستند و یا این جنبش را نمی شناسند.

پیام ما زنان از ایران اینست که حرکت علیا انقلابی و بسیار مهم است و باید صد در صد از او دفاع کنیم.

خوشبختانه امروز زنان اسرائیل با چاپ عکس برهنه خود و با اعلام علنی دفاع از علیا به یک حرکت انقلابی و در عین حال تابوشکنی دست زده اند. واقعیت اینست که دولتهایی مثل دولت اسرائیل و همچنین دولت های دیکتاتور از جمله مبارک و جمهوری اسلامی ایران با نفرت پراکنی علیه مردم عرب و یا اسرائیل نفس کشیده و با این سیاست همدیگر را تکمیل کرده اند.

اکنون دوره ارتباطات مستقیم مردم با همدیگر است و تسلط تاریخی رسانه های رسمی به پایان رسیده که مغزشویی میکردند و نفرت پراکنیهای دولتها را پوشش میدادند. امروز جوانان فلسطین و اسرائیل و ایران و مصر و امریکا باهم مستقیم تماس دارند. جوانان اسرائیلی به خیابان رفته و میگویند اینجا میدان

تن فروشی و نیاز

کاهش سن شروع تن فروشی در ایران به کمتر از ۱۴ سال

تازمترین آمار و تحقیقات صورت گرفته درباره تن فروشان حاکی از آن است که میانگین ورود دختران به بازار کارگری جنسی به شدت کاهش پیدا کرده و به کمتر از ۱۴ و ۱۵ سال رسیده است.

به گفته سعید مدنی جامعه شناس این آمار که در مجله اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شده نشان می دهد، در سال ۴۷ میانگین سن زنان کارگر جنسی ۳۰ سال اما در سالهای اخیر میانگین سنی ورود زنان به بازار کارگری جنسی به کمتر از ۱۴ و ۱۵ سال رسیده است.

مدنی در اولین کنگره روان پزشکان ایران از کم شدن نسبت زنان کارگر جنسی مهاجر خبر داده و گفته است: "اگر در سال ۴۷، ۹ و نیم درصد زنان کارگر جنسی تهران، اهل تهران بودند امروز مطالعات اخیر نشان می دهد نزدیک به ۵۰ درصد این زنان در تهران هستند و سهم بیشتر متعلق به استان تهران است."



التحریر است و اکنون زنان اسرائیلی از علیا دفاع میکنند و در عین حال زنان و مردان از ایران با بره انداختن کمپین دفاع از علیا یک جبهه انسانیت را شکل میدهند که ماورای این نفرت پراکنی های قدیمی است. امروز نسل جوانی به میدان آمده و اعلام میکنند که زن بشر است و حقوق زنان و حقوق انسانی جهانشمول است و باید انگشت اتهام و مبارزه همه ما علیه دولتهای دیکتاتور و فاشیستی باشد که به اسم مذهب و میهن و خاک و وطن خون میریزند. دیکتاتورها را باید بزیر کشید و زندگی انسانی را فارغ از جدایی های قومی و نژادی و جنسی شروع کرد یک دنیای نوین و با حقوق انسانی. حرکت زیبای علیا و دفاع بسیار زیبایی زنان از ایران و اسرائیل بشارت یک دنیای نوین را میدهد، دنیایی که در آن انسان اصل است و حقوق انسانی مقدس است و نه هیچ چیز دیگر.*

تن فروشی، شغل دوم

بر اساس این تحقیقات اغلب تن فروشان جدید نیازهای اساسی و اولیه زندگی خود را با شغل اول تامین می کنند و تن فروشی را به عنوان شغل دوم برای از بین بردن نابرابری های اجتماعی با دیگر دختران هم سن و سالشان انتخاب می کنند.

تغییر میزان تحصیلات از دیگر ویژگی های دخترانی است که در سال های اخیر وارد بازار جنسی شده اند. این تحقیقات نشان می دهد نسبت زن کارگر جنسی بی سواد امروز ناچیز است و در مقابل سطح تحصیلات بالا رفته است.

حسین ساجدی نیا، رییس پلیس تهران چندی پیش ادعا کرده بود، "در تهران فقط ۱۰۰ زن خیابانی وجود دارد که پلیس محل های فعالیت این افراد را شناسایی کرده و به زودی این افراد جمع آوری می شوند".*

برنامه تلویزیونی علیه تبعیض را
جمعه ها ساعت یازده و ۱۳ دقیقه
شب از کانال جدید مشاهده کنید.
برنامه ای از مهین علیپور.

دنیا به رنگ خون مادر

فرشته مرادی از هلند - مددکار اجتماعی

خیلی وقت ها در جاهای که برای سخنرانی و آموزش به مکانهای مختلف میروم از من میپرسند که چرا تا این حد قتل های ناموسی موضوع کارم است. این مسئله خیلی برای من اهمیت دارد، شاید گروهی فکر کنند من هم جزوه آن دسته از زنانی هستم که مورد اذیت و آزار شوهرم قرار گرفتم و از دستش فرار کردم و الان با تمامی وجودم بر سر مسئله قتل های ناموسی کار میکنم.

من در جواب آنها داستان یک خانواده را برایشان تعریف میکنم که باعث شد من سر این معضل کار کنم.

زمانی که من تازه شروع به کار در زمینه مددکار اجتماعی کرده بودم یک پسر ۱۸ ساله که تاحدودی خجالتی بود پیش من آمد و از من تقاضای کمک کرد که بتواند سرپرستی ۲ برادر و ۱ خواهر و ۲ خواهرزاده اش را بر عهده بگیرد. با اشکی که در چشمانش جمع شده بود برای من تعریف کرد جلوی چشم همه، شوهر خواهرش به خواهر و مادرش حمله کرده و خواهر بزرگش و مادرش را کشته است و حالا آنها هیچ کس را ندارند. من نمیتوانستم جلوه اشک هایم را بگیرم و به بهانه آب آوردن از اتاق خارج شدم و بی اختیار اشک هایم سرازیر شد. این جوان مرا به مراسم ختم مادر و خواهرش که در خانه

یک فامیل دورشان بود دعوت کرد.

خواهرش را به زور به پسر عمویش داده بودند و آنها همیشه دعوا و مشاجره داشتند، تا اینکه خواهرش تصمیم میگیرد فرار کند. خواهرش حدود ۱ سال در خانه امن زندگی میکرد و از این خانه امن به خانه امن دیگر میگریخت. درست یک سال بعد کاغذ طلاق خود را میگیرد و برای جشن تولد ۵ سالگی پسرش به خانه مادرش باز میگردد که در خانه مادرش تولد پسرش را جشن بگیرد ولی مسئولین خانه امن به او هشدار میدهند که هنوز خطر کاملاً رفع نشده اما او با این ذهنیت که الان دیگر کاغذ طلاق را در دست دارد و شوهرش نمیتواند به او آزار برساند راهی خانه مادرش شد.



بر خلاف تصور خواهرش زمانی که به خانه بر میگردد شوهرش دم در خانه مادرش با چاقو خواهر و مادرش را جلو چشم تمام بچه ها به قتل میرساند. این مسئله آن روز آنقدر من را تحت تاثیر قرار داد که مسیر محل کارم تا خانه که با دوچرخه حدوده ۴۰ دقیقه است را گریه کردم.

چند روز بعد به مراسم ختم خواهر و مادرش

نوجوانی خواستگار داشت اما من مثل اون زیبا نبودم و نمیتونستم مثل اون لباس شیک (دامن تنگ و چکمه و...) بپوشم یادم یکبار که کفش پاشنه بلند خریده بودم از مدرسه تا خانه در دستم گرفتم و پا برهنه اومدم و خب بعدش هم معلومه که چی شد دیگه... خواهرم شعر می گفت خیلی نمیخندید، اما من با صدای بلند می خندیدم دوست داشتم برقصم نه شعر بگم! و چون تو همه مهمانی ها میخواندم و می رقصیدم خب دختر سنگینی نبودم البته هرگز از یک سنی به بعد این حرف را نشنیدم اما نتیجه اش این شد که خواهرم در سن ۱۷ سالگی (با حداقل ۲۰ خواستگار رنگارنگ) پسندیده شد و ازدواج کرد و من تا سن ۳۳ سالگی هم پسندیده نشدم... اصلاً یکی از ویژگیهای دختر خوب بودن اینه که زود می پسندند و زود شوهر می ره حالا حسابش را بکنید که من چقدر سر به هوا بودم. خوشبختانه کارهای خانه داری به ما محول نمیشد مگر در شرایط خاص. خلاصه پدر و مادر بیچاره من به خواسته های من هر روز تن می دادند البته پدرم مرد آگاهی بود و حمایتهای او باعث شده بود که من بتوانم دنیا



رفتم، آنجا همه آن بچه ها را دیدم. دو برادر ۱۴ و ۱۶ ساله با یک خواهر ۱۲ ساله و خواهرزاده های پسر ۵ ساله با دختر ۳ ساله. وقتی

با پسر ۵ ساله صحبت کردم چند ماژیک قرمز در دست داشت و سفت آنها را گرفته بود که او پرسیدم اینها چه هستند؟ جواب داد این رنگ مادرم هست. آن پسر ۵ ساله رنگ مادرش را در آخرین لحظه ی که دیده بود تماماً خونی بود و او این را به یاد داشت. دختر کوچکش که ۳ سال داشت به مدت غذای درستی نمیخورد و شبها در اتاق های خانه دنبال مادرش میگشت و مادرش را صدا میزد.

آن روز که از آنجا برگشتم آن ۵ بچه من را بسیار تحت تاثیر قرار دادند و تا چند روز در خانه ناخودآگاه اشک هایم سرازیر میشد و ناراحت بودم که چرا در این جوامع غربی و به اصطلاح پیشرفته باید شاهد همان اتفاقات وحشتناک و ناگوار باشیم. از آن روز بود که تصمیم گرفتم تمام تلاشم را بکنم که از بروز چنین فجایعی ای در جامعه جلوگیری کنم. حالا در همین زمینه فعالیت میکنم و امیدوارم که دیگر هیچوقت شاهد همچین اتفاقات ناراحت کننده ای در هیچ جای دنیا نباشیم. شاد باشید.*

را جور دیگری ببینم.

و هر روز که می گذرد بی هویتی و نسبی بودن این قبیل واژه ها برای من بیشتر نمایان می شود تا اینکه دیروز در خبری خواندم دختر مصری عکسهای عریان خود را در اینترنت قرار داده است دو بار این خبر را خواندم و چندین بار در ذهن مرور کردم و یاد نوجوانی خود افتادم که چطور گاهی با بعضی افراد درگیر می شدم تا حرفم را بزنم و کاری را که میخواهم انجام بدهم و دیگری که نباید در زندگی من دخالت کنند، و باید به این دختر درود فرستاد تا توانسته است این مرزهای واهی را بشکند و نشان دهد که تن زن فقط یک جسم است نه چیزی بیش از آن و اعتراضی برای بیماراندیشان مذهبی و کسانی که جنسیت برایشان از انسانیت مهمتر است و تمام تلاششان برای تابو نگهداشتن جسم زن است تا بتوانند همچنان جامعه مردسالار و ضد زن و خشن و حکومت غیرانسانی داشته باشند. به امید روزی که تمامی زنان آزاده دنیا بتوانند ساختار شکن و مرز شکن باشند.*

دختر سنگینی نبودم

ترانه نیری

زیبایی، جنسی، جذابیت، کرشمه، طنز، حجاب، نخندیدن، سربه زیر بودن، وفاداری، پاکدامنی، خانه داری، آشپزی، بچه داری، محدودیت، قابلمه، رنده، کلماتی هستند که همیشه در کنار کلمه زن شنیدم. وقتی مدرسه می ری سربه زیر باش تا بیسندنت خوب آشپزی کن یاد بگیر تا بعداً به کارت می آد لباس شیک و تمیز بپوش چون دختر را از روی ظاهرش می پسندند.

یادم وقتی زنه های فامیل خانه مون می آمدند می گفتند دختر کوچیکه (یعنی من) خوبه ها ولی بزرگه یک چیز دیگه است بزرگ موقعه رفتن به مدرسه خیلی سربزیر است، خب من نمیتونستم سربه پایین راه برم دلم می خواست آدمها را ببینم آسمون و درختها را نگاه کنم خواهرم از من خیلی زیباتر بود یعنی جزو دخترهای زیبا محسوب میشد و از همان سن

مشت های گره کرده

زنده باد ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان
زنده باد مبارزات زنان و مردان آزاده برای برابری و حقوق انسانی زنان

روز جمعه این هفته روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان است. در این روز میلیونها نفر از سراسر جهان، یکبار دیگر با برگزاری جلسات و میتینگها و کنفرانسها و ... در مورد ستم بر زنان و این جلوه شنیع دنیای موجود حرف میزنند و به مبارزات روزمره زنان در اقصی نقاط جهان علیه تبعیض و نابرابری و اجحاف و ستم جنسی تداوم می بخشدند.

یک مشخصه دنیای امروز، بی حقوقی و ستم بر علیه نیمه جامعه در سراسر جهان است. زنان در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا به دلیل جنسیت و به صرف این زن هستند، از برخی از حقوق انسانی و اجتماعی خود محرومند و این ستمو نابرابری مستقیما به سیستم و نظام اقتصادی موجود یعنی سرمایه داری مربوط است.

حقیقت دردناکتر اینست که در چند دهه اخیر، یک جنبش لجام گسیخته و ارتجاعی و وحشی، در کشورهای مختلفی، میلیونها زن را با شلاق و شکنجه و اعدام و سنگسار به موقعیت بسیار وحشتناکتر و فرودست تری محکوم کرده است.

پنج در پنج در میدان

محمد رضا پویا

آکسیون اعتراضی پنج در پنج: حجاب سمبل ظلم به زنان.

گروهی از زنان که خود را گروه پنج در پنج می نامند، از این هفته آکسیونهای اعتراضی خود بر علیه حجاب را در چند شهر ایران از جمله تهران، مشهد و شیراز آغاز میکنند. قرار است که هر پنج شنبه ساعت پنج بعد از ظهر این زنان بمدت پنج ثانیه در خیابان حجاب از سر بگیرند. یکی از سخنگویان این حرکت میگوید که این شکل از حرکت هزینه دستگیری و سرکوب را پایین میآورد. وی فراخوان داده است که زنان در شهرهای دیگر به این حرکت بپیوندند. سخنگوی این آکسیون اعتراضی میگوید که زنان در جامعه با مشکلات فراوانی روبرو هستند، اما حجاب سمبل کل ظلمهایی است که حکومت بر زنان روا میدارد.

مسئله زنان و حجاب یکی از مولفه های مهم

در این کشورها زنان را رسماً و قانوناً از همه حقوق انسانی محروم کرده و هر درجه از ابراز وجود و فعالیت زنان را با اشد مجازات پاسخ میدهند.
واقعیت درخشان اما اینست که در همین نقاط جنبش های بسیار بزرگ و زیر و رو کننده ای در جریان است و زنان در همه این کشورهای اسلام زده، با تمام وجود به میدان



مبارزه آمده و نه فقط علیه ستم جنسی و زن ستیزی این باندها و یا حکومتهای اسلامی مبارزه میکنند، بلکه با مبارزات خود قلب اسلام و مذاهب را نشانه گرفته اند.

انقلاب در ایران است. حجاب یکی از ستونهای اصلی ساختار سیاسی رژیم اسلامی است. حجاب تنها سمبل بردگی زن است، بلکه چکیده ای از ضدیت جنون آمیز مذهب با زنان است. حجاب نشانگر عنصر زن ستیزی جنایتکارانه مذهب است. جنگ بر علیه حجاب جنگ سنت و تجدد نیست، بلکه جدال جبهه آزادیخواهی جامعه بر علیه جنبش سیاه اسلامی است که با زور تیر و تفنگ و قوانین اسلامی، بردگی جنسی اسلامی را بر جامعه تحمیل کرده است. برای سرنگونی جمهوری اسلامی باید به عرصه حجاب و مذهب ورود کرد. حرکت پنج در پنج نمایانگر عصیان نسل جوانی است که حجاب را نمی خواهد. این نسل مستقیماً ستونهای اصلی رژیم اسلامی را هدف قرار داده است. گسترش جنبش حجاب برگیران، جمهوری اسلامی را در سرآشوب سقوط قرار خواهد داد. شیشه عمر جمهوری اسلامی به حجاب وابسته است. روزیکه زنان در خیابان حجاب از سر بگیرند؛ نشانی از جمهوری اسلامی نخواهد بود.*

در اسلام و همه مذاهب زنان نیمه انسان محسوب میشوند و حکومتهای دیکتاتور مذهبی در این قرن، زنان را زنده زنده، تکه پاره میکنند و متأسفانه بیش از سه دهه است که دنیا نظاره گر این جنایات مقدس علیه زنان است.

در آستانه ۲۵ نوامبر امسال اما امیدها بسیار بیشتر از قبل است چرا که دنیا به پا خاسته و زنان و مردان جوان در اروپا و آمریکا و در مصر و تونس و ایران، همگی با صدای بلند به سیستم اقتصادی سرمایه داری و به مصائب ناشی از آن نه میگویند.

امروز بیش از هر زمان دیگری به ایده برابری زن مرد نزدیکتریم چرا که امکان ارتباط بین ما مردم و بین ما زنان فراهم تر است.

زنان آزاده در ایران و در کشورهای اسلام زده در بدترین شرایط و با بجان خریدن بسیاری مشکلات علیه دیناسورهای اسلامی مبارزه میکنند و ما از طرف این نشریه به همه این عزیزان درود میفرستیم و میگوییم، دنیا و آینده از آن ماست. از آن ما زنان و ما جوانان و ما مردمی که دست به ریشه برده و برای تغییرات اساسی در زندگی خودمان به میدان آمده ایم.

علیه تبعیض- سازمان دفاع از حقوق زنان

۳۰ ابان ۱۳۹۰ - ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱



برای نشریه علیه تبعیض مطالب کوتاه بنویسید. علیه تبعیض صدای زنان برابری طلبی است که می خواهند علیه ستم مبارزه کنند!